جزئیات انهدام بزرگ‌ترین شبکه بین‌المللی تهیه و توزیع مواد مخدر صنعتی

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا، جزئیات عملیات انهدام بزرگ‌ترین شبکه بین‌المللی تهیه و توزیع مواد مخدر صنعتی در استان را تشریح کرد.

سردار زاهدیان در گفت‌وگو با پایگاه خبری پلیس در بندرعباس اظهار کرد: با اقدامات اطلاعاتی و شبانه‌روزی ماموران مبارزه با مواد مخدر استان هرمزگان بزرگ‌ترین شبکه تهیه و توزیع مواد مخدر صنعتی در جنوب کشور شناسایی و متلاشی شد. اعضای این شبکه به صورت خانوادگی در امر تهیه و توزیع مواد مخدر فعالیت داشته و در سال حدود سه تن هروئین و شیشه از کشورهای افغانستان و پاکستان به صورت سازمان یافته و بسیار پیچیده به کشور قاچاق و در استان‌های هرمزگان و استان‌های همجوار و کشورهای خلیج‌فارس به فروش می‌رسانند. با اقدامات شبانه‌روزی پلیس هفت نفر از اعضای این شبکه دستگیر و ۴۰ میلیارد ریال وجه نقد، ۵۳ واحد ساختمان، ۶۱ کیلوگرم طلا و جواهرات و ۴۳ دستگاه انواع خودروهای ایرانی و خارجی از اعضای شبکه به ارزشی بالغ بر ۱۵۰۰ میلیارد ریال توقیف شده است.

امیدهای تازه برای یافتن کوهنورد ناپدید شده در علم‌کوه

فاطمه شیخ‌علی‌زاده
حوادث

کوهنورد شیرازی که همراه دوستش برای فتح قله علم‌کوه راهی کلاردشت شد، از صبح پنجشنبه مفقود شده و هنوز ردی از او یافت نشده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، صبح پنجشنبه یك کوهنورد شیرازی خودش را به فدراسیون کوهنوردی کلاردشت رساند و اعلام کرد همراه دوستش به قصد رسیدن به منطقه‌ای به نام گرده آلمان‌ها راهی ارتفاعات علم‌کوه شده بودند، اما زمانی که به آنجا رسیدند دوست او تصمیم می‌گیرد علم‌کوه را هم فتح کند. مرد جوان گفته بود: من خسته بودم و نمی‌توانستم همراه دوستم جواد به علم‌کوه بروم و از طرفی شرایط جوی مساعد نبود و احساس خطر می‌کردم، اما جواد اصرار داشت به علم‌کوه برود. برای همین من برگشتم، اما او رفت.

در حالی که بیش از چهار ساعت از رفتن مرد جوان به علم‌کوه می‌گذشت و او برنگشته بود، نیروهای امداد و نجات هلال احمر، عملیات جست‌وجو را برای یافتن ردی از کوهنورد ۳۸ ساله آغاز کردند.

محمودی، سرپرست جمعیت هلال احمر کلاردشت در گفت‌وگو با جام‌جم گفت: عملیات زمینی جست‌وجو توسط امدادگران و حتی کوهنوردان بومی منطقه آغاز شد، اما به دلیل برف و مه غلیظ در منطقه کوهستانی و خطر ریزش بهمن ادامه عملیات زمینی ممکن نبود. برای عملیات هوایی تقاضای بالگرد کردیم، اما باتوجه به سقوط بهمن‌های شدید در منطقه، متاسفانه در عملیات هوایی هم اثری از کوهنورد یافت نشد و جست‌وجو همچنان ادامه پیدا کرد. در عکس‌های هوایی که امدادگران هلال احمر از مسیر حرکت کوهنورد شیرازی تهیه کردند، شیئی شبیه کوله‌پشتی مرد جوان دیده شد و دوست همراه او گفت با توجه به این‌که رنگ کوله‌پشتی جواد هم آبی بود، احتمال دارد آنچه در عکس دیده می‌شود ردی از جواد به دست بدهد.

محمودی در ادامه گفت: بعد از این‌که شیء مشکوك به کوله‌پشتی فرد مفقودشده را دیدیم درخواست بالگرد از تهران کردیم، اما بالگرد به دلیل شرایط جوی نامساعد مجبور به بازگشت به تهران شد.

خانواده جواد که روزهای سختی را در دلواپسی به خاطر بی‌خبری از او می‌گذرانند، از دو روز بعد از مفقود شدن او به ارتفاعات کلاردشت رفته‌اند. برادر جواد در گفت‌وگو با جام‌جم گفت: «برادرم یك کوهنورد حرفه‌ای است و یك بار به یکی از قله‌های کوهستانی قرقیزستان هم صعود کرده بود. بار اولی نبود که همراه دوستانش برای صعود به علم‌کوه راهی کلاردشت می‌شد. تجهیزات همراه او حرفه‌ای و تخصصی است و می‌تواند او را تا دمای منفی ۳۷ درجه هم از خطر دور نگه دارد. دوست جواد که همراه او بوده به ما گفت که برادرم خوراکی کافی برای چند روز همراه دارد، اما در این چند روز امدادهایی که به برادرم رسیده بیشتر از تهران بوده و ما درخواست می‌کنیم بالگرد از ساری به کمك بیاید، چون شاید هوای مسیر بهتر باشد و بالگرد مجبور به برگشت نشود.» پولادی، فرماندار کلاردشت هم در گفت‌وگو با جام‌جم گفت: «رئیس هیات کوهنوردی، تعدادی از کوهنوردان حرفه‌ای بومی را دعوت کرد و برای ادامه عملیات جست‌وجوی زمینی مشورت کردند، اما شرایط جوی طوری است که کوهنوردان حرکت در مسیر را به صلاح ندانستند.»

وی افزود: باتوجه به تجهیزاتی که این کوهنورد دارد امید به زنده یافتن او زیاد است.

زن میانسال در پرونده اسیدپاشی تحت تعقیب پلیس بود

معمای قتل استاد رمالی

زن رمال که برای انتقام از وکیل شاکی یکی از مشتریان استاد رمالی‌اش، اعضای باندی اسیدپاشی اجیر کرده بود، بازداشت شد. متهم اصلی این پرونده که استاد رمالی بود، قبل از دستگیری به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، سوم تیر امسال وکیل میانسالی در دفتر وکلاتش در خیابان ۶۴ یوسف‌آباد هدف اسیدپاشی افرادی ناشناس قرار گرفت و مصدوم شد و متهمان پول، گوشی و مدارکی از دفترش سرقت کردند. پرونده‌ای نزد ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل و ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی پایتخت در تلاش برای دستگیری متهمان فراری بودند. بعد از تحقیق از مرد وکیل معلوم شد که او پرونده خواهر خانم دکتری را به‌عهده داشته که از سوی زن رمالی مورد کلاهبرداری قرار گرفته و زن رمال با تهدید قصد اخاذی ۷۰۰ میلیون تومانی از وی را داشته و گمان می‌کند آن زن طراح اسیدپاشی باشد. سرانجام روزهای پایانی شهریور امسال مرد اسیدپاش و دو مرد که همدستش بودند، بازداشت شدند و گفتند که از سوی زن رمالی به نام آتوسا برای اسیدپاشی اجیر شده و ۲۰ میلیون تومان پول گرفته و میان هم تقسیم کرده‌اند. بعد از گذشت هشت ماه از این ماجرا، سه روز پیش آتوسا در خانه اجاره‌ای در محله پیروزی بازداشت و مدعی شد که مرد اسیدپاش خشایار ۵۴ ساله و همدستانش را نمی‌شناسد. با دستور قضایی، مرد اسیدپاش در مواجهه حضوری با زن رمال قرار گرفت و گفت: با آتوسا از طریق خواهرم که مشتری او بود، آشنا شدم. نسخه‌های خوشبختی می‌نوشت و من برای مشتریانش می‌بردم تا این‌که یك روز گفت باید کمکش کنم تا روی یك مرد وکیل اسید بپاشم تا او دیگر پرونده قضایی استاد رمالی او را پیگیری نکند. من موضوع را با دوستانم در میان گذاشتم. آب باتری تهیه کردم و با دو دوستم به دفتر شاکی رفتیم. دختری که دوست زن رمال بود همراه راننده‌ای به بهانه مشاوره به دفتر مرد وکیل آمده و زمانی که مرد وکیل در را باز کرد تا آنها وارد شوند ما به جای آنها وارد شدیم، ترسیدم و اسید را به جای صورت، روی بدن مرد وکیل ریختم.

در ادامه زن رمالی سکوتش را شکست و گفت: سال‌ها زیر نظر شبنم که استاد رمالی‌ام بود دوره‌های لازم را دیدم و بعد کار رمالی و فالگیری را آغاز کردم. ارادتی خاص به او که استادم بود، داشتم. یك روز که به ملاقاتش رفته بودم، با هم حرف زدیم که متوجه شدم یکی از مشتریانش از کار او راضی نبوده و از وی بابت کلاهبرداری که انجام داده شکایت کرده، وکیل گرفته و درصدد است که وی را به زندان بیندازد و نابودش کند.

وی افزود: استاد رمالی‌ام از من کمك خواست که تصمیم گرفتم روی مرد وکیل اسید بپاشم تا شاکی بترسد و دیگر پیگیر پرونده‌اش نشود. موضوع را به خشایار گفتم که او با همدستانش رفتند و بعد از اسیدپاشی ۲۰ میلیون تومان به آنها دادم. وقتی فهمیدم که آنها بازداشت شدند، فرار کردم و حتی از ترسم ارتباطم را بعد از مدتی با استاد رمالی‌ام قطع کردم. بعد با نام‌های جعلی مخفیانه زندگی می‌کردم تا این‌که بازداشت شدم.

تحقیقات برای دستگیری شبنم ادامه داشت تا این‌که شاکی با حضور نزد بازپرس شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران اعلام کرد استاد رمالی که متواری بود، در یکی از شهرهای کشور به قتل رسیده است. با اطلاعاتی که از وی به دست آمد، تحقیقات درباره صحت ماجرا آغاز شد.

متهم به قتل در جلسه دادگاه سناریوی جدیدی مطرح کرد

انگیزه مرموز برای کشتن ۲ زن آرایشگر

متهم به قتل دو زن جوان آرایشگر که انگیزه خود را سرقت از زنان جوان عنوان کرده بود، در دادگاه سناریوی جدیدی برای ارتکاب قتل‌ها مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ۳۰ مهر ۹۷، رسیدگی به پرونده قتل دو زن جوان با کشف اجساد آنها در خانه‌شان در محله نظام‌آباد آغاز شد. همسایه‌های آنها در تماس با پلیس اعلام کرده بودند، چند روزی است خبری از رفت و آمد دو زن جوان در ساختمان محل سکونت‌شان نیست و از این بابت نگران آنها هستند.

در ادامه با کشف جسد غرق در خون دو زن جوان، تحقیقات برای یافتن ردی از عامل جنایت آغاز و مشخص شد یکی از مقتولان به نام فتانه ۲۳ ساله آخرین تماس خود را با جوانی ۱۷ ساله به نام مجید برقرار کرده است.

ردزنی تماس‌های مجید او را به دام قانون انداخت و متهم در همان برخورد اول با پلیس اعتراف کرد که با همدستی یکی از دوستانش به نام شاهین مقتولان را به قصد سرقت از خانه آنها به قتل رسانده‌اند. به این ترتیب شاهین هم بازداشت شد و در اعتراف به قتل گفت: «حدود یك سال قبل با زنی حدود ۴۵ ساله به نام شهلا در یك گروه تلگرامی دوست شدم و به منزل او رفت و آمد و در آنجا مواد مخدر مصرف می‌کردم و او من را با دختران دیگر آشنا می‌کرد تا این‌که با مجید آشنا شدم. روز حادثه قرار بود شهلا، مجید را با دختری به نام فتانه آشنا کند. برای همین با هم به خانه‌اش رفتیم، اما یکدفعه به سرمان زد از او سرقت کنیم. برای همین نقشه قتلش را کشیدیم. مجید دست و پای مقتولان را بست و من با چاقو به آنها ضربه زدم، اما بعد از قتل چیزی برای سرقت در خانه شهلا پیدا نکردیم و پا به فرار گذاشتیم.»

بعد از اعتراف متهمان به قتل، پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد و روز گذشته متهمان پای میز محاکمه ایستادند.

در ابتدای جلسه رسیدگی پدر شهلا و دو دختر نوجوان او به عنوان اولیای دم تقاضای قصاص قاتل را کردند. این در حالی بود که دختر بزرگ‌تر شهلا به اتهام آدم‌ربایی در پرونده‌ای دیگر بازداشت بوده و از زندان برای رسیدگی به پرونده مادرش منتقل شده بود.

پدر فتانه هم از جانب خود و فرزند صغیر فتانه تقاضای قصاص متهم را کرد و سپس شاهین برای دفاع از خود پشت تریبون ایستاد و گفت: «اتهام قتل را قبول دارم، اما اتهام سرقت را نه. تقاضا دارم پرونده را دوباره به بازپرسی بفرستید به دلیل این‌که تمام اظهارات قبلی من برای نجات مجید بود و حالا که به خاطر او دروغ گفته‌ام، می‌بینم که او من را به سرقت متهم کرده با این‌که چنین چیزی صحت ندارد.»

متهم در ادامه توضیح داد: «آن روز برای این‌که مجید و فتانه با هم آشنا شوند به خانه شهلا رفتیم. فتانه یکی از دوستان شهلا بود که با هم کار آرایشگری می‌کردند. وقتی آنجا رسیدیم، فتانه به مجید شك کرد و گمان می‌کرد او قصد سرقت دارد. برای همین با هم بحث‌شان شد. فتانه با تندی با ما رفتار کرد و من به او گفتم اگر به مجید اشاره کنم به تو کتك مفصلی می‌زند. همان وقت مجید به خاطر این حرف من جوزده شد و برای این‌که خودی نشان دهد به فتانه حمله کرد. من داشتم با مهناز حرف می‌زدم که دیدم مجید با فتانه درگیر شد و دست و پای او را با چسب بست و بعد با چاقو به او ضربه زد، فتانه مقاومت می‌کرد و من در دفاع از مجید با چاقوی قصابی که به خاطر شغلم در جیبم دارم به او ضربه زدم. بعد برای این‌که راز قتل برملا نشود، اقدام به قتل شهلا کردیم. من دست و پای او را با یك چادر بستم و با مجید به او چند ضربه چاقو زدیم.» سپس مجید که از کانون اصلاح و تربیت به دادگاه منتقل شده بود، در دفاع از خود گفت: «اتهامم را قبول ندارم. آن روز شاهین پیشنهاد داد برای سرقت از خانه شهلا آنجا برویم. بعد هم به مقتولین با چاقو ضربه زد و من هیچ نقشی در قتل‌ها نداشتم.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم و وکلای آنها برای صدور رای وارد شور شدند.

پسر جوان که برای دوستی با دختری به خانه زن آرایشگر رفته بود پس از ارتکاب ۲ جنایت از آنجا گریخت. متهم بعد از دستگیری انگیزه‌های متفاوتی را درباره قتل مطرح کرد

دردسر سیاه یك عکس قدیمی برای دختر جوان

عکس خصوصی دختر کارمند با عشق قدیمی‌اش او را به دردسر انداخت. دو مرد بعد از به دست آوردن این عکس به قصد اخاذی از شاکی او را ربوده و مورد آزار و اذیت شیطانی قرار دادند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، دختر جوانی که کارمند یك شرکت خصوصی بود اوایل آذر امسال با حضور در شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از دو مرد به اتهام اخاذی، آدم‌ربایی و آزار و اذیت شیطانی شکایت کرد. پس از این شکایت با دستور بازپرس احسان زمانی، تحقیقات در دستور کار ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

شاکی در جریان تحقیقات گفت: پنج سال پیش بعد از جدایی از پسر مورد علاقه‌ام عکس‌های خصوصی‌ای که با هم داشتیم را حذف و حتی گوشی‌ام را عوض کردم. چند روز پیش پسری که هم محلی قدیمی‌مان بود آن عکس خصوصی را برایم از طریق تلگرام ارسال کرد و بعد تلفنی تهدیدم کرد که باید به وی و همدستش صد میلیون تومان پول، طلا یا سکه بپردازم در غیر این صورت، عکس خصوصی‌ام را ابتدا برای خانواده‌ام بعد برای همکارانم ارسال می‌کنند. نمی‌دانستم آن عکس‌ها چطور به دست آنها رسیده بود. التماس کردم آن عکس‌ها را حذف کنند و آبرویم را نبرند که بی‌فایده بود. گفت اگر می‌خواهم دوستش را راضی کند که پول و طلای کمتری بگیرد باید به ملاقاتش بروم. همراه خودم سکه طلایی بردم تا راضی شوند عکس‌ها را پاك کنند. وقتی به محل قرار رسیدم، سکه را گرفتند و من را به زور سوار ماشین کرده و به پارکینگی رفتند. در آنجا مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند.

متهمان تحت تعقیب پلیس اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران بودند تا این‌که دو روز پیش شهرام یکی از متهمان در خانه‌ای در جنوب تهران بازداشت شد. او که فروشنده مغازه‌ای در یکی از پاساژهای معروف تهران بود با انتقال به شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران گفت: یکی از دوستان قدیمی‌ام با دوست پسر سابق شاکی آشنا بود. یك روز گوشی تلفن همراه او را به امانت گرفته بود که هنگام بررسی گالری عکس‌های گوشی متوجه عکس خصوصی مرد جوان با شاکی شد. آن را به من نشان داد و من آن عکس خصوصی را به گوشی خودم منتقل کردم. مدتی بعد از آن ماجرا دچار مشکلات مالی شدم و موضوع عکس‌های خصوصی را به دوستم وحید گفتم. وحید از من خواست با آن دختر تماس بگیرم و با تهدید به انتشار آن عکس از وی اخاذی کنیم و او را بترسانیم. بنابراین عکس را برای آن دختر فرستادم و تهدیدهایم شروع شد. روز قرار او را ربوده و مورد آزار و اذیت قرار دادیم.

متهم روانه بازداشتگاه اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران شد. تحقیقات برای دستگیری دیگر همدست او ادامه دارد.

تلنگر

ازدواج زن خیانتکار با قاتل شوهرش

راز زنی که با همدستی مرد مورد علاقه‌اش نقشه قتل همسرش را طراحی و اجرا کرده بودند، پس از هشت ماه فاش شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از عصر هفدهم خرداد امسال همزمان با گزارش قتل مرد جوانی در شهرك جهادآباد شهر سراوان در دستور کار پلیس قرار گرفت. تیم جنایی پس از حضور در محل جنایت با جسد مقتول در پشت فرمان خودروی وانتش روبه‌رو شد که با شلیك گلوله به قتل رسیده بود.

بررسی‌های اولیه نشان داد، مقتول روز حادثه از جمعه بازار سراوان راهی خانه شده بود که در نزدیکی خانه‌اش مرد موتورسواری با سر و صورت پوشیده سد راهش شده و با یك قبضه کلت دو گلوله شلیك کرده که مرد راننده بر اثر اصابت گلوله به سینه و پهلویش جان باخته بود.

تحقیقات میدانی در محل هیچ سرنخی در اختیار ماموران قرار نداد و ماموران پیگیری روی این پرونده را ادامه دادند. با گذشت هشت ماه از این جنایت ماموران به سرنخ‌هایی رسیدند که احتمال دست داشتن همسر مقتول در این جنایت را قوت بخشید. این در حالی بود که زن جوان چهار ماه بعد از قتل به عنوان همسر دوم با یکی از دوستان شوهرش ازدواج کرده بود.

زن ۲۴ ساله به عنوان مظنون دستگیر شد که در ابتدا منکر دست داشتن در قتل همسرش شد، اما در ادامه لب به اعتراف گشود و گفت: مدت‌ها قبل با قاتل که با او رفت و آمد خانوادگی داشتیم، دوست شدم و با او ارتباط داشتم. به خاطر این‌که شوهرم سد راه این ارتباط بود، تصمیم به قتل او گرفتیم. شب قبل از جنایت نقشه قتل را طراحی کرده و روز بعد مرد ۳۰ ساله آن را اجرا کرد. چهار ماه بعد از قتل به تصور این‌که پرونده دیگر پیگیری نمی‌شود، با قاتل شوهرم ازدواج کردم. او زن داشت و من را به عنوان همسر دوم به خانه‌اش برد.

فرمانده انتظامی شهرستان سراوان در این باره گفت: پس از اعترافات زن جوان ماموران راهی خانه قاتل شده و او را قبل از این‌که فرار کند، دستگیر کردند. با اعتراف دو متهم به دست داشتن در این جنایت، پرونده‌ای تشکیل و به دادسرا ارسال شد.

بخشش قاتلی که در زندان نویسنده شد

لجبازی خواهر برادری بر سر دیدن برنامه مورد علاقه تلویزیونی کار را به یك جنایت هولناك و قتل خواهر و پدر کشاند. متهم که نزدیك به پنج سال را در زندان گذرانده، با اعلام گذشت اولیای دم از قصاص نجات پیدا کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ۱۵ فروردین ۹۴، رسیدگی به پرونده قتل دختر جوان و پدرش در خیابان ایتالیا، با شکایت پسر مرد میانسال به نام مهران در دستور کار قضایی قرار گرفت. مهران در طرح شکایت خود به ماموران گفت: به خانه دوستم رفته بودم و در آنجا ماندم. وقتی برگشتم اجساد پدر و خواهرم را در خانه دیدم.

تحقیقات پلیس برای یافتن ردی از عامل جنایت آغاز شد و این در حالی بود که مهران در روند تحقیقات حرف‌های ضد و نقیضی به ماموران پلیس گفته بود که ظن ماموران را برانگیخت. مرد جوان سرانجام پرده از راز جنایت هولناك خود برداشت و به قتل‌ها اعتراف کرد و گفت: روز حادثه می‌خواستم برنامه مورد علاقه‌ام را تماشا کنم، اما خواهرم قصد داشت کانال عوض کند.

سر این موضوع درگیر شدیم و او را با طنابی خفه کردم. می‌خواستم وانمود کنم او خودکشی کرده است، اما پدرم از راه رسید و فرصت صحنه‌سازی نداشتم. برای همین به سرم زد که او را هم بکشم تا راز قتل اول برملا نشود. با همین فکر کارد آشپزخانه را برداشتم و پدرم را با ضربات چاقو از پا درآوردم.

در حالی که با اعتراف متهم قرار بازداشت او صادر شد، عمه و عموهای او به عنوان شاکیان پرونده از قصاص او اعلام گذشت کردند و روز گذشته متهم به لحاظ جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران محاکمه شد و در دفاع از خود گفت: اتهامم را قبول دارم. از این اتفاق بیشترین لطمه را خودم خوردم، چون دو نفر از عزیزترین افراد زندگی‌ام را از دست دادم. وقتی به زندان رفتم در آنجا درسم را در رشته فنی ساختمانی ادامه دادم و با معدل بالا مدرك گرفتم. در این سال‌ها دست به قلم بودم و چند جایزه مقاله‌نویسی گرفتم. در رشته ورزشی فوتسال هم مقام آورده‌ام.

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم برای صدور رای وارد شور شدند.